

پشت پرده اولین نشست ائتلاف بین‌المللی برای اجرای راحل دو دولتی در ریاض

هفته گذشته شهر ریاض پایتخت عربستان میزبان اولین نشست «ائتلاف بین‌المللی برای اجرای راحل دو دولتی» با حضور بیش از ۹۰ کشور به علاوه اژانس امداد و کار سازمان ملل برای پناهندگان (آنرو) بود. این نشست با هدف تشکیل کشور فلسطین به پایتختی قدس شرقی برگزار شد.

این نشست در حالی از سوی عربستان برگزار شد که ریاض در بیش از یک سالی که از نسل‌کشی غزه می‌گذرد نه تنها اقدامی با هدف فشار بر اسرائیل و حمایت از مردم فلسطین اتخاذ نکرده بلکه آشکارا از تلاش‌ها برای عادی‌سازی روابط با اسرائیل سخن می‌گوید. در واقع برگزاری این نشست بیشتر از آنکه ابتکاری در پاسخ به بحران جاری در فلسطین باشد باید در راستای تلاش حلی برای باز کردن گره معادله عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی نگریسته شود ریاض برای یافتن راه

در شرایط کنونی سعودی‌ها مسیری را دنبال می‌کنند که بسیاری از کشورهای اروپایی که همپیمان آمریکا هستند دنبال کرده‌اند و با مخالفت آمریکا و رژیم صهیونیستی مواجه شده‌اند. حال طرح راحل دو دولتی از سوی عربستان معنایی جز توجیه‌پذیر کردن عادی‌سازی ریاض با تل آویو ندارد.

جمهوری‌خواهان آمریکا یا دموکرات‌ها کدام یک جنگ طلب‌تر هستند؟

با گرم شدن مجدد تب انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا و بازگشت دونالد ترامپ به کاخ سفید، بسیاری از کارشناسان ایده‌های متفاوتی در خصوص فرصت‌ها و چالش‌های ترامپ برای «منافع ملی» ایران دارند

عده‌ای با اشاره به سابقه لشگرکشی بوش پدر و پسر به منطقه خلیج فارس و همچنین ترور قهرمان مبارزه با تروریسم یعنی شهید حاج قاسم سلیمانی، جمهوری‌خواهان را دولتمردانی «جنگ‌طلب» یا اصطلاحاً «ردلاین» توصیف می‌کنند که تهدیدی به مراتب خطرناک‌تر از دموکرات‌ها برای تهران هستند. بازخوانی گوشه‌ای از تاریخ آمریکا اثبات‌کننده این موضوع است که رنگ جنگ در آمریکا عمده‌تاً «آبی» و از سمت حزب دموکرات است

هم جمهوری‌خواهان در آمریکا و هم دموکرات‌ها در طول تاریخ جنگ‌ها و جنایت‌های بزرگی را رقم زده‌اند. اما این باور که جمهوری‌خواهان از دموکرات‌ها جنگ‌طلب‌تر هستند با توجه به سابقه تاریخی بررسی‌شده صحیح نیست. در شرایط کنونی نیز آمریکا در دوران افول خود به سر می‌برد و اساساً قدرت آغاز جنگی دیگر در دنیا را ندارد

زمینه‌های افول آمریکا در همه حوزه‌ها توسط پژوهشگران و حتی مقامات آمریکایی بارها اعلام شده است. نمونه بارز این افول در جنگ اوکراین است. با وجود تهدیدهای آمریکا به روسیه مبنی بر عدم شروع عملیات نظامی در اوکراین، اما مسکو این عملیات را انجام داد و واشنگتن نتوانست مانعی در این مسیر ایجاد کند

اشاره: ایام شهادت حضرت صدیقه طاهره، فاطمه زهرا سلام الله علیها، یکی از فرصت‌های بسیار مناسب برای شناخت «اصل امامت و ولایت» است. این اصل، در ساختار فرهنگ اسلامی، اصلی محوری و بنیادین است و اساساً تمام اصول و فروع دین، فقط و فقط با استقرار اصل امامت و ولایت است که به منصفه ظهور و بروز عینی و کامل خود می‌رسند. روایات متعدد ناظر به این حقیقت در منابع روایی ما وجود دارد. از آن جمله فرمودند: «لَوْلَا مَا عَرَفَ اللَّهُ. لَوْلَا مَا عُدَّ اللَّهُ. جَعَلْنَا اللَّهُ... خُرَانَهُ فِي سَمَائِهِ وَ أَرْضِهِ بِنَا أُمَرَّتِ الْأَشْجَارُ وَ أَيْعَتِ الْكُمَارُ وَ جَرَّتِ الْأَنْهَارُ وَ بِنَا يَنْزِلُ غَيْثُ السَّمَاءِ وَ يَنْبُثُ عُشْبُ الْأَرْضِ.» (نک: الکافی/ ج ۱/ ص ۱۹۳؛ همان/ ص ۱۴۴؛ بصائر الدرجات/ ج ۱/ ص ۱۰۵؛ بحار الانوار/ ج ۲۶/ ص ۱۰۷؛ و...)

اما در بین تمام روایات و بیانات نورانی آل الله، اگر بخواهیم يك بیان را شاخص این حقیقت بدانیم، این فراز از بیان مبارك حضرت زهراى اطهر در خطبه فدکیه است: «فَجَعَلَ اللَّهُ... طَاعَتَنَا نِظَاماً لِلْمِلَّةِ، وَ إِمَامَتَنَا أَمَاناً مِنَ الْفُرْقَةِ» (بحار الانوار/ ج 29/ ص 220).

حضرت اصل ولایت و امامت را، عامل انسجام و اقتدار جامعه اسلامی معرفی می‌فرمایند

تغییر اصل امامت و ولایت به خلافت و سلطنت در سقیفه؛ بحران تاریخ بشریت

جریان سقیفه و خلافت با نادیده گرفتن، تحریف یا تفسیر برأى نصوص پیامبر خدا (ص)، ظالمانه حق الهی امیرالمؤمنین (ع) و جامعه بشری را غصب کردند و برای خود مشروعیتی کاذب بدعت نهادند. در این شرایط که «مَثَلُ الْإِمَامِ مَثَلُ الْكَعْبَةِ تُؤْتَى وَ لَا تَأْتِي» است، باید اقدامی بصیرتمندانه از سوی جبهه حق با هدف دفاع از حریم کعبه ممثل و قرآن ناطق صورت می‌گرفت؛ اقدام بصیرتمندانه، یعنی تشخیص و اقدام درست و بهنگام. اما سوگمندانه، جبهه حق در آن شرایط، تنها و تنها يك رزمنده جان‌برکف دارد و آن يك نفر، حضرت زهراى اطهر سلام الله علیها است.

حضرت زهرا (س) به‌عنوان بصیرتمندی عینیّت یافته، برای انجام این اقدام بصیرتمندانه قیام نمود و از هر فرصت و مجالی برای این نهضت دفاع از حریم ولایت و امامت استفاده می‌نمودند

نمونه‌هایی از حماسه حمایت از امامت و ولایت حضرت زهرا

ایشان، خطاب به گروهی از زنان مهاجرین و انصار که برای عیادت به محضرشان شرفیاب شده بودند، فرمودند: «وای بر (2) سران جریان سقیفه و خلافت! که چه کردند و رهبری جامعه را از خاندان رسالت، پایه‌های نبوت و هدایت، مهبط روح الامین و آن کسی (یعنی علی علیه السلام) که از امور دین و دنیا آگاه بود غصب و دور نمودند. این همان خسران آشکاری است که قرآن بدان هشدار داده است. این چه انتقامی است که از ابوالحسن گرفتند؟! به خدا سوگند! این کینه و ناخشنودی آن‌ها به‌سبب شمشیر بزّان و گام‌های استوار و بی‌اعتنایی او به مرگ و ضربه‌های سخت او در راه خدا بود

به خدا سوگند! اگر مسؤولیت رهبری و مدیریتی را که رسول خدا (ص) به وی سپرده بود، به او واگذار می‌کردند، کاروان بشریت را با کمال آرامش با سیری ملایم به‌سوی سعادت و حق رهبری می‌نمود، بی‌آن‌که بواسطه کشیدن افسار، مرکوب زخمی گردد، و سوار بر آن نیز بواسطه جنبش‌های ناشی از حرکت بی‌رویه آن در شکنجه و ناراحتی بیفتد، تا ایشان را به سرچشمه جوی زلال و گوارای آب حیات برساند، جویباری که آبی پاک دو سمت آن موج می‌زد، و اطراف و جوانب آن پاکیزه بود، و آنان را سیراب می‌نمود، سیر و سیراب از آن‌جای باز می‌گرداند، در حالی که خودش از آن بهره‌ای نمی‌برد، مگر با جامی کوچک که تشنه‌ای تشنگی خود را رفع کند، و اندکی غذا که گرسنه رفع گرسنگی خود بدان نماید، و کوچکترین بهره‌ای به نفع خویش نمی‌برد، و آن زمان بود که درهای برکات «از زمین و آسمان به روی مردم گشوده می‌شد، و اقتصاد آنان رونق می‌گرفت، و مردم در ناز و نعم به‌سر می‌بردند

وَيَحْهُمْ! أَنَّى زَخَرُ حُومَاهَا عَنْ رَوَاسِي الرِّسَالَةِ وَ قَوَاعِدِ النُّبُوَّةِ وَ مَهْبِطِ الْوَحْيِ الْأَمِينِ وَ الطَّبِيبِينَ بِأَمْرِ الدُّنْيَا وَ الدِّينِ «أَلَا ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ» (زمر: 15) وَ مَا نَقَمُوا مِنْ أَبِي الْحَسَنِ! نَقَمُوا وَ اللَّهُ مِنْهُ نَكِيرٌ سَيِّفُهُ وَ شِدَّةٌ وَ طَيْبُهُ وَ نَكَالٌ وَ قَعْتُهُ وَ تَنْمَرُهُ فِي ذَاتِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ اللَّهُ لَوْ تَكَافَوْا عَنْ زِمَامِ نَبَذَهُ رَسُولُ اللَّهِ (ص) إِلَيْهِ لَا عَتْلَقَهُ وَ لَسَارَ بِهِمْ سَيِّراً سُجْجاً لَا يَكْلُمُ خَشَائِشُهُ وَ لَا يَتَعَتَّعُ رَاكِبُهُ وَ لَأُورِدَهُمْ مِنْهَا نَمِيراً فَضْفَاضاً تَطْفُخُ ضَفَّتَاهُ وَ لَأَصْدِرَهُمْ بَطَاناً قَدْ تَخَيَّرَ بِهِمُ الرُّؤْيُ غَيْرَ مُتَحَلٍّ مِنْهُ بِطَائِلٍ إِلَّا بِعَمْرِ الْمَاءِ وَ رَدْعِهِ شَرَرَهُ السَّاعِبِ وَ لَفَتَحَتْ عَلَيْهِمْ (بَرَكَاتٌ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ. (بحار الانوار/ ج 43/ ص 158)

در موضع دیگر در کنار قبر پیامبر (ص) با زبان شکوه می‌فرمود: «اللَّهُمَّ إِلَيْكَ نَشْكُو فَقَدْ نَبِيكَ وَ رَسُولَكَ وَ صَفِيكَ وَ ارْتَدَادَ أُمَّتِهِ (3) عَلَيْنَا وَ مَنَعَهُمْ إِيَّانَا حَقّاً الَّذِي جَعَلْتَهُ لَنَا فِي كِتَابِكَ الْمُنْزَلِ عَلَى نَبِيِّكَ الْمُرْسَلِ» (همان‌روز ج 53/ ص 19) - پروردگارا! به‌سوی تو شکایت می‌کنیم به‌خاطر آنده از دست دادن پیامبر (ص) و به تو شکایت می‌کنیم از ارتداد امت پیامبر علیه ما، و بازداشتن حق ما، «همان حق ولایت و رهبری که در کتابت بر پیامبرت (ص) نازل فرمودی و برای ما قرار دادی

حضرت در بیان دیگری به ام سلمه همسر پیامبر (ص) فرمودند: «شب را با غصه و اندوه به روز آوردم، رسول خدا (ص) از (4) میان ما رفت و به وصی پیامبر ظلم شد، سوگند به خدا! حجاب او هتک گردید، کسی که امامت او غصب و گرفته شد، بر غیر آنچه خداوند در کتاب خود تشریع کرده بود و پیامبر خدا (ص) در تأویل آنرا پایه گذاری نمود؛ ولی کینه‌ها و حقد‌های بدر و خون‌خواهی کشته‌های اُحد بود که قلب نفاق آن‌ها را نهفته و پنهان نموده بود.» (أَصْبَحْتُ بَيْنَ كَمَدٍ وَ كَرْبٍ فَقَدْ النَّبِيُّ وَ ظَلِمَ الْوَصِيُّ هَتَكَ وَ اللَّهُ جَبَابُهُ مَنْ أَصْبَحَتْ إِمَامَتُهُ مَقْبُضَةً عَلَى غَيْرِ مَا شَرَعَ اللَّهُ فِي التَّنْزِيلِ وَ سَتَّهَا النَّبِيُّ (ص) فِي التَّأْوِيلِ وَ لَكِنَّهَا أَحْقَادٌ بَدْرِيَّةٌ وَ تَرَاتٌ أُحْدِيَّةٌ كَانَتْ عَلَيْهَا قُلُوبُ النَّفَاقِ مُكْتَمِنَةً لِإِمْكَانِ الْوُشَاةِ. (بحار الانوار، ج 43، ص 156))

ترسیم راه صحیح و مستقیم (2)

حضرت با تبیین‌گری‌های هوشمندانه، حمایت‌های جانانه از امیرالمؤمنین (ع)، و ایستادگی شجاعانه و قهرمانانه در مقابل جریان سقیفه و خلافت، به جامعه معاصر و فرامعاصر خود نشان دادند که راه راست و مستقیم کدام است. به عنوان نمونه، از يك طرف فرمودند: «اگر علی (ع) و فرزندان او به خلافت می‌رسیدند، دیگر حتی دو نفر هم با یکدیگر اختلاف نمی‌کردند» (أَمَّا وَ اللَّهُ لَوْ تَرَكَوا الْحَقَّ عَلَى أَهْلِهِ وَ اتَّبَعُوا عِزَّةَ نَبِيٍّ لَمَا اخْتَلَفَتْ فِي اللَّهِ اثْنَانِ (بحار الانوار، ج 36، ص 353)) و از طرف دیگر در بخشی از خطبه خود، مسیر جریان سقیفه و خلافت را راه شیطان و متابعت از او معرفی کرد و فرمود: «وَ أَطْلَعَ الشَّيْطَانُ رَأْسَهُ مِنْ مَغْرَزِهِ هَاتِفًا بِكُمْ، فَأَلْفَاكُمْ لِذَعْوَتِهِ مُسْتَجِيبِينَ، وَ لِلْغَرَّةِ فِيهِ مَلَا حَظِيَيْنِ، ثُمَّ اسْتَنْهَضَكُمْ فَوَجَدَكُمْ خَفَافًا، وَ أَحْمَشَكُمْ فَأَلْفَاكُمْ غَضَابًا» (الاحتجاج رز ج 1/ ص 101) - شیطان از مخفی گاه خود سرش را بیرون آورد و بر شما فریاد زد و دریافت که دعوت او را اجابت می‌نمایید و به فریفتن او روی آورده اید، سپس خواست شما برخیزید و دریافت که شما آماده اید و شما را بر خشم دعوت کرد و یافت که به خشم می‌آیید. در این بیان، راه راست و صراط مستقیم به روشنی از راه باطل متمایز شده است؛ راه راست، رفتن به دنبال امام علی (ع) و فرزندان او (ع) و راه شیطان، راه سران و رهروان سقیفه است.

افشاء چهره نفاق (3)

شناخت جریان نفاق، از مشکل‌ترین و پیچیده‌ترین امور در جامعه اسلامی است. در اوایل نهضت بزرگ پیامبر اکرم (ص)، شناخت چهره‌های نفاق راحت‌تر بود، چراکه وحی الهی در این زمینه، قاطع عمل نموده و چهره منافقین را به سرعت رسوا می‌کرد. نمونه بارز آن‌را در جریان نزول سوره منافقین می‌توان مشاهده کرد. و همین طور در جریان مسجد ضرار و تخریب آن. اما هرچه عمر پیامبر اکرم (ص) رو به پایان می‌رفت و خصوصاً بعد از رحلت آن حضرت، چهره نفاق پیچیده‌تر می‌شد. تنها کسی که در آن موقعیت سخت می‌توانست به صورت علنی از چهره نفاق پرده بردارد، و این جریان خطرناک‌تر از دوران پیامبر (ص) را معرفی کند، حضرت زهرا (س) بود.

حضرت زهرا (س) با فراست و بصیرت الهی دیدند نفاق به میدان آمده و با نبود پیامبر اکرم (ص) میدان را برای فعالیت خود باز دیده است، در خطبه معروف خود پرده از چهره آن‌ها برمی‌دارد و می‌فرماید: «فَلَمَّا اخْتَارَ اللَّهُ لِنَبِيِّهِ دَارَ أَثْنِيَّائِهِ، وَ مَاوَى أَصْنَفِيَّائِهِ، ظَهَرَ فِيكُمْ حَسِيكَةُ النَّفَاقِ» - هنگامی که خداوند برای پیامبرش خانه پیامبران و جایگاه برگزیدگان خود را اختیار کرد، در میان شما خا‌های نفاق ظاهر گردید. «حسیکه» از ریشه حَسَكَ به معنای خار خشنی است که به موی گوسفندان می‌چسبد (کتاب العین، خلیل بن احمد فراهیدی، ص 179)

پیامبر اکرم (ص) چهره نفاق سران سقیفه را به برخی از اصحاب خاص- مخصوصاً بعد از جریان غدیر- معرفی کرده بود. این گروه با وجود مبارک پیامبر (ص) کاری از پیش نمی‌بردند؛ اما بعد از رحلت آن حضرت، هزینه سنگینی را بر اهل بیت (ع) و خصوصاً امیرمؤمنان علی (ع) و فاطمه زهرا (س) وارد کردند. بعد از پرداخت این هزینه سنگین، حضرت زهرا (س) زمینه را برای معرفی آنان آماده دید و برای جلوگیری از گمراهی و ضلالت امت پیامبر (ص) و نسل‌های آینده، آن‌ها را معرفی نمود. آن‌ها تلاش داشتند کارهایشان را اسلامی جلوه دهند؛ ولی حضرت زهرا (س) چهره واقعی آنان را به خوبی نمایان ساخت تا آن‌جا علاوه بر فرمایشی که در خطوط بالا اشاره شد، به یکی از سران جریان سقیفه و خلافت صریحاً فرمودند: «مَا اسْرَعَ مَا أَغْرَزْتُ عَلَى أَهْلِ بَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ» - چه زود کینه‌های پنهانی خود را علیه اهل بیت رسول خدا (ص) ظاهر کردید؟-. (بحار الانوار، ج 28، ص 322)